

دو نمايشنامه

صدای آهسته

گوش کن



نمايشنامه‌های بهینکل و رضایی راد (۸)

محمد رضایی راد

| فهرست |

۷

۵۳

صدای آهسته

گوش کن

آدم‌ها |

زن
دختر
مرد کهنه‌خر
پستچی
مرد قوی‌هیكل
جوان
پیرمرد
آدم‌های گذری
صدای مرد

| صحنه

اتاقی است که به اتاق‌های دیگر و به بیرون خانه راه دارد، و لابد با مبل‌ها و کمد و آینه و اثاثیه‌ای دیگر؛ همین. اما خانه باید حتماً یک آیفون تصویری داشته باشد. مانیتور این آیفون در حد یک پرده کوچک بزرگ‌نمایی شده است.

| مکان

خراب‌شده‌ای در هر کجای دنیا

۱ صحنه اول

صحنه خاموش است.

صدای دختر: در رو باز کن!... می گم در رو باز کن!... تو رو خدا در رو باز کن!
... حمال بی شعور در رو باز کن!...

صدای مرد: لابد من همین هستم که تو می گویی، اما توجه می دانی من همان هستم که تو می گویی؟ این تنها شاید یک تصادف، یک اقبال خوش باشد که من اینجا هستم و تو آنجا. تنها تیغهای و دری بین ما...

صدای دختر: به خدا همه رومی ریزم تو کوچه ها... می ززم در رومی شکونم ها...
صدای مرد: و با شکستن این در تو فاصله را برمی داری تا فاصله نهایی تا ابد گسترده شود؛ و تو مرا ببینی و دریابی؛ و نمی دانی هنوز آنچه ما را پیوند می دهد، همین در است، مابین من... و... تو... مابین من... و... خودم. این دو جهانی که دیگر هرگز به هم اتصال نمی یابند و ملحق نمی شوند... مگر تنها از طریق همین... همین فاصله...

صدا محو می شود.

| صحنهٔ دوم |

کسی از اتاق خواب بیرون می‌آید درحالی‌که ملحفه بر سر کشیده
و از دیده پنهان است. افتان و خیزان به دستشویی می‌رود. صدای
شُرشر آب و صدای عق‌زدن و سپس سکوت. زن درحالی‌که
ملحفه را به خود پیچیده، با نگاه مبهوت از دستشویی بیرون
می‌آید.

نور می‌رود.